

+ سازو کار دست‌رسی آسان بین جامعه زنان و سیاست‌گذاران را در چه می‌دانید؟

سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) حلقه وصل حاکمیت هستند. باید در تصمیم‌سازی دخیل باشند. در حقوق بشر و در حوزه کودکان، سالمندان و معلولان، سمن‌هایی فعال اند اما آیا سیاست‌یون از این نهادها در کارهای زیربنایی مشورت گرفته‌اند یا اصولاً سمن‌ها زینت‌المجالس بوده‌اند؟ درحوزه زنان حرف برای گفتن زیاد است. غالباً در این حوزه گفت‌وگو و ادبیات تولید کرده‌ایم اما به نظریه‌پردازی نرسیده‌ایم. تا وقتی که این حوزه هیچ پشتوانه‌ای نداشته باشد این ادبیات محکوم به شکست است.

+ الگوی سوم زن مسلمان راهی بود که رهبر معظم انقلاب ترسیم کردند. فکر می‌کنید مسئولان ما تا چه اندازه در این مسیر برای زنان برنامه گذاشته‌اند و حمایت‌های لازم را انجام داده‌اند؟

در این مورد خاص و مهم و نهاد‌های مربوط که باید کار انجام می‌دادند و نکردند حرف زیاد دارم. مطابق با قوانین جمهوری اسلامی، بیانات معظم‌له جزو اسناد بالادستی محسوب می‌شود و مسئولان ما باید صحبت‌های ایشان را به قانون تبدیل کنند اما واقعیت این است که مراکز مختلف تا چه اندازه گوش به فرمان ایشان بوده‌اند؟ مثلاً در الگوی سوم زن مسلمان، مطابق با شغل و نیاز دختران و زنان، هویت اسلامی تعریف شده است؟ ما در این زمینه صرفاً به عنوان یک کلیشه برخورد کردیم. برای نمونه، کارمند زن و مرد را شبیه هم استخدام می‌کنیم. فکر می‌کنید چرا شرکت‌ها و بخش خصوصی تمایل بیشتری به استخدام زنان دارند؟ زیرا بانوان به حقوق کمتری در این بخش‌ها رضایت می‌دهند. در این سال‌ها نیامدیم الگوی سوم زن مسلمان را که نه شرقی است و نه غربی در بخش‌های مختلف نهادینه کنیم و بر اساس آن برای زن‌ها وظیفه تعریف کنیم.

+ چه اتفاقی افتاده است که سیاست‌های ما به‌ویژه در حوزه زنان از نقاطی است که نگاه‌های مختلف داخلی و خارجی از آن سوءاستفاده می‌کنند؟

فرهنگ اسلامی به کار نیاز دارد. چه بسا برخی ارزش‌های مورد تأیید در اجتماع تغییر کرده‌اند. وقتی می‌گوییم انقلاب اسلامی اساساً انقلاب فرهنگی است، بر اساس این ماهیت، آیا همه مسئولان ما فکر فرهنگی دارند؟ حتی اگر وزیر اقتصاد ما در فکرش فکر فرهنگی نباشد، نمی‌تواند بنا به ارزش‌های انقلاب اسلامی وزارت کند و در طراز جمهوری اسلامی قرار نمی‌گیرد. در بحث بانوان، اسیر تفکر سنتی هستیم. دیگر باید مسئله حضور زنان در اجتماع برای ما حل شده باشد اما متأسفانه می‌بینیم هنوز در این مسائل اولیه گیر کرده‌ایم. حجاب یکی از مسائل بسیار مهم است. دختر ما به دلیل نبود حمایت، ناچار می‌شود از سوی کارفرمایش به هر پوششی تن بدهد. این عدم اطمینان کاری و نبود حمایت‌های درست در قوانین و نیازهای اولیه باعث تغییرات بسیاری شده است.

+ بیا بیا قبول کنیم در شرایط فعلی، به یک بازنگری اساسی در حوزه مسائل زنان نیاز داریم. بیانات رهبر معظم انقلاب نیز که تبیین‌کننده کار است. چرا کم‌کاری اتفاق می‌افتد؟

چون زنان برای خودشان کار نمی‌کنند. آن‌هایی هم که پشت میز به سمت‌های بالا می‌رسند از کف جامعه خبر ندارند. جامعه ما تغییر کرده است و به‌روزرسانی در مسائل زنان اجباری است. چرا ۴۰ سال این ساختار درست نشده است که زنان مسائلشان را به دست خودشان حل کنند نمی‌دانم. یک دلیل آن شاید این باشد که ساختار با مفاهیم بزرگ در کنار هم هیچ‌وقت مدیریت نشده است. من قبول دارم که مینا باید شایسته‌سالاری باشد اما باید به مفاهیم اسلامی هم نزدیک شویم.

+ منظورتان تبعیض مثبت است؟ چقدر با این واژه موافقت می‌کنید؟ فکر می‌کنید این تبعیض کمک‌کننده است؟

«تبعیض مثبت» همان «تبعیض روا» است در قانون اساسی آمده است. اصلاً تبعیض روا همان نفقه و... است که اسلام به پشتیبانی از زن بر خاسته است. ۱۴۰۰ سال پیش به این نتیجه رسیدیم و دنیا تازه چند سال است به حقوق زنان و کودکان بها می‌دهد.

+ برخی می‌گویند وقتی نفقه به عهده مرد است، چرا باید تبعیض مثبت یا همان روا صورت بگیرد.

بله، زیرا این از واقعیت جامعه امروز ما دور نیست. این روزها چند زن می‌شناسید که پایه‌های همسرانشان کار می‌کنند یا اینکه خودشان به صورت مستقل درآمد دارند؟ این قانون باید به‌روزرسانی شود. بحث تنصیف باید در قوانین ما تغییر کند چون زنان حضوری فعال در اقتصاد

دارند. پس باید یک نوع عدالت انسانی در قوانین ما به وجود آید اما گاهی برخلاف روح شریعت کار می‌کنیم و تنصیف را در زمان طلاق انجام می‌دهیم. خیلی بد است که زنی کمتر از فرزندانش ارث ببرد. اگر توانستیم این کارها را انجام دهیم، یعنی حقوق بشر اسلامی را اجرا کرده‌ایم.

+ فکر می‌کنید چقدر حقوق بشر اسلامی را به‌ویژه در بحث زنان در کشور اجرا کرده‌ایم یا صرفاً این مسئله را در ویتترین گذاشته و از آن در موقع لزوم استفاده برده‌ایم؟

در اسناد بین‌المللی فمینیست به شدت در حوزه حقوق زنان رسوخ کرده است. در جهان، این جنبش با اینکه یک مکتب فلسفی و فکری نیست توانست تأثیرات خودش را بگذارد هرچند در نهایت هم این جنبش به ضرر زنان تمام شد. یعنی گفت مرد طراز است و من باید به او برسم، اما این حرف را چه کسی گفته است؟ اسلام می‌گوید راه باز است. ممکن است زن از مرد هم بالاتر رود. در حدیثی نقل شده است که امام زمان (عج) می‌فرماید: «الگوی من مادرم زهراست...» ما در حقوق بشر اسلامی حق بر کرامت قائلیم اما آن‌ها می‌گویند همه آدم‌ها به یک اندازه مساوی اند. این در حالی است که ما در حقوق بشر اسلامی می‌گوییم برخی زن‌ها می‌توانند متعالی‌تر شوند. ما در میانی اسلام می‌گوییم چیزی که عقل به آن حکم می‌کند شرع هم به آن حاکم است. ما در باره چنین دینی صحبت می‌کنیم، نگاهی که توحیدی است. بنابراین کشورهای مسلمان در ۵ اوت ۱۹۹۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی را نوشتند اما متأسفانه آن را الزام‌آور نکردند.

+ فکر می‌کنید با وجود پایبندی ایران به حقوق بشر به‌ویژه با حفظ قوانین اسلامی، دقیقاً چرا از سوی سازمان‌های در ظاهر حامی حقوق بشر تحت فشار است؟

حقوق بشر در جهان به یک ابزار سیاسی تبدیل شده است. هر وقت می‌خواهند جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند، گزارشگر ویژه آن‌ها سریع می‌گوید: ایران نقض حقوق بشر کرده است، و تحریم می‌کنند، اما ما می‌گوییم حقوق بشر باید اصالت داشته باشد. وقتی حقوق بشر غربی به یک اهرم سیاسی تبدیل شد، استاندارد چندگانه دارد. برای عربستان که زن‌ها در آن حق رأی و حتی حق رانندگی نداشتند این تحریم‌ها شامل نشد اما برای انقلاب اسلامی که زنان دوش به‌دوش مردان رأی دادند، رانندگی کردند و در مسابقات اتومبیل‌رانی درخشیدند تحریم‌ها را وضع کردند.

+ عدالت جنسیتی مطابق با اسلام تا چه اندازه در قوانین ما اجرا می‌شود؟

شاخص درستی نداریم. برای همین است که با روی کار آمدن جناح‌های سیاسی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، همه چیز تغییر می‌کند. اگر شاخص داشتیم، حزب سیاسی که روی کار آمد، هرگز نمی‌توانست پایش را فراتر از قوانین بگذارد. شاخص‌های برابری درست نوشته نشده‌اند. شاخص بر اساس عدالت جنسیتی به معنای مساوات نیست بلکه باید زن و مرد به موازات جنسیت دیده شوند. این مشکل‌ها باید حل شود تا بتوانیم درباره قوانینمان حرف بزنیم.

+ وضعیت مشهد را در حوزه زنان چگونه می‌بینید و تا چه اندازه می‌توان از ظرفیت‌های آن استفاده کرد؟

من مشهد را یک شهر بین‌المللی حتی مهم‌تر از تهران می‌دانم. به نظرم مشهد شهر ۷۲ ملت است که ظرفیتی ویژه دارد و به فراخور همان هم مسائل آن کلان است. در حوزه زنان هم همین است. برای نمونه، در بحث اعطای تابعیت، جزو شهرهای مهم هستیم. بنابراین مسئولان ما باید امتیازهای ویژه‌تری در این مورد از پایتخت می‌گرفتند. حاشیه شهر ما نیز متفاوت است. بنابراین برای این پاسخ باید به آسیب‌ها پرداخت.

+ پس موافقت می‌کنید که عمده مسائل زنان در مشهد به اندازه کافی مهم هست که به سلسله‌نشست‌ها نیاز دارد و نمی‌توان از یک مسئول یا حتی جریان انتظار داشت حل آن را به عهده بگیرند؟

مسائل زنان در خراسان به ویژه شهر مشهد ذیل مشکلاتی کلی قرار می‌گیرد که فشار اصلی آن بر سر زنان است. به دلیل هم‌مرز بودن با افغانستان نیز مسائل حقوقی خاصی داریم. بنابراین باید از ظرفیت ملی استفاده شود. دیگر اینکه کلان‌شهر جهان اسلام به بودجه و سرانه‌ای خاص نیاز دارد. از طرفی، چون مشهد دروازه تمدنی است، به حمایتی ویژه از حوزه زنان نیازمندیم.

من مشهد را یک شهر بین‌المللی می‌دانم. مشهد شهر ۷۲ ملت است که ظرفیتی ویژه دارد و به فراخور همان هم مسائل آن کلان است. در حوزه زنان هم همین است. برای نمونه، در بحث اعطای تابعیت، جزو شهرهای مهم هستیم. مسئولان ما باید امتیازهای ویژه‌تری در این مورد از پایتخت می‌گرفتند

شهربانو

۱۵ آذر ۱۴۰۰
آشنیه
آغاز سال ۱۴۰۱ شماره ۲۵۷۲

(۵)